

The impact of US policy on Iraq-Iran relations (1958-1963)

Borhan Mohammad Faraj PhD student in the History of Iran after Islam, Department of History, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email:

burhantaramuhammad@gmail.com

Kaivan Shafei * *Corresponding Author*, Assistant Professor, Department of History, Sa.C, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.. Email: Kaivan.shafei@iau.ac.ir

Seyyed Mohammad Shikhahmadi Assistant Professor, Department of History, Sa.C, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. E-mail: M.sheikhahmadi@iau.ac.ir

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

United States,
Iran,
Iraq,
Cold War,
Regional Geopolitics

ABSTRACT

Political relations between Iran and Iraq throughout the 20th century—particularly during the period from 1958 to 1963—were deeply influenced by border disputes, ideological rivalry, and regional geopolitical shifts. Within this context, the United States, recognizing the strategic importance of the Middle East, played a significant role in shaping bilateral ties between the two countries to safeguard its economic and security interests. This study, employing a descriptive-analytical approach and relying on archival sources and historical documents, examines the impact of U.S. foreign policy on Iran-Iraq relations in the aftermath of the Iraqi monarchy's collapse. The findings suggest that American policy during this period was primarily aimed at containing Soviet influence, ensuring access to energy resources, and maintaining the stability of pro-Western regimes. The U.S. adopted a pragmatic and interest-driven stance toward the Iran-Iraq conflict and intervened directly only when regional power balances or its broader strategic interests were at stake

Cite this Article: Mohammad faraj, B. , shafei, K. and Shikhahmadi, S. M. (2024). The impact of US policy on Iraq-Iran relations (1958-1963). *International Relations Researches*, 14(2), 199-221. doi: 10.22034/irr.2025.512861.2682



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2025.512861.2682



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تأثیر سیاست آمریکا بر روابط عراق و ایران (۱۹۶۳-۱۹۵۸)

برهان محمد فرج دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانامه: burhantaramuhammad@gmail.com

کیوان شافعی* نویسنده مسئول، استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. رایانامه: Kaivan.shafei@iau.ac.ir

سید محمد شیخ احمدی استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. رایانامه: M.sheikhahmadi@iau.ac.ir

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، ایران، عراق، جنگ سرد، ژئوپلیتیک منطقه‌ای تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۵	روابط سیاسی ایران و عراق در طول قرن بیستم، به‌ویژه در بازه زمانی ۱۹۶۳-۱۹۵۸، همواره متأثر از منازعات مرزی، رقابت‌های لیدئولوژیک و تحولات ژئوپلیتیکی پیرامون بوده است. در این میان، ایالات متحده آمریکا با درک اهمیت استراتژیک خاورمیانه و با هدف حفظ منافع اقتصادی و امنیتی خود، نقش قابل توجهی در جهت‌دهی به مناسبات دو کشور ایفا کرده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع آرشیوی و اسناد تاریخی، به بررسی تأثیر سیاست خارجی آمریکا بر روابط ایران و عراق در دوره پس از سقوط نظام سلطنتی عراق می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست آمریکا عمده‌تاً بر مهار نفوذ اتحاد جماهیر شوروی، تضمین دسترسی به منابع انرژی و ثبات دولت‌های همسایه متمرکز بوده و در این راستا، رویکردی عمل‌گرایانه و منفعت‌محور نسبت به اختلافات تهران و بغداد اتخاذ کرده است. مداخلات مستقیم آمریکا در این دوره عمده‌تاً زمانی صورت گرفته که توازن قوا یا منافع کلان واشینگتن در خطر افتاده است.

استناد به این مقاله: محمد فرج، برهان، شافعی، کیوان و شیخ احمدی، سید محمد. (۱۴۰۳). تأثیر سیاست آمریکا بر روابط عراق و ایران (۱۹۵۸-۱۹۶۳). پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۴(۲)، ۲۲۱-۱۹۹. doi: 10.22034/irr.2025.512861.2682.

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





روابط میان ایران و عراق از جمله پیچیده‌ترین و پرتنش‌ترین مناسبات دوجانبه در خاورمیانه طی قرن بیستم بوده است. این پیچیدگی نه تنها از عوامل جغرافیایی و تاریخی ریشه می‌گیرد، بلکه متأثر از مداخلات قدرت‌های جهانی و تغییرات بنیادین در نظم بین‌الملل نیز هست. پیشینه منازعات میان ایران و عراق به دوره امپراتوری عثمانی بازمی‌گردد، زمانی که مرزهای شرقی این امپراتوری با ایران صفوی و سپس قاجار، همواره محل مناقشه و درگیری بود. با فروپاشی عثمانی و تشکیل دولت-ملت عراق تحت قیمومت بریتانیا، نه تنها اختلافات مرزی حل نشد بلکه اشکال جدیدی از چالش‌های سیاسی و امنیتی میان دو کشور پدید آمد. ایران نیز که در همین دوره در حال تجربه تغییرات تدریجی در ساختار سیاسی و روابط خارجی خود بود، به دنبال حفظ منافع سرزمینی و ژئوپلیتیکی خویش در برابر دولت نوپای عراق بود. اگرچه پیمان‌نامه ۱۹۳۷ میان ایران و عراق برای حل و فصل بخشی از اختلافات مرزی به امضا رسید، اما این پیمان نیز نتوانست مانع بروز تنش‌های آتی شود. اختلاف بر سر اروند رود، وضعیت اقلیت‌های قومی به‌ویژه کردها، و نزدیکی یا دوری هر یک از طرفین به قدرت‌های جهانی، عواملی بودند که روابط دو کشور را به شدت ناپایدار ساختند. در دهه ۱۹۵۰، همزمان با تثبیت نظام پادشاهی پهلوی دوم در ایران و تداوم نفوذ بریتانیا در عراق، منطقه شاهد ظهور تدریجی جنگ سرد و رقابت‌های ایدئولوژیک میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی شد. وقوع کودتای ۱۹۵۳ در ایران که با حمایت مستقیم سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و سرویس اطلاعات بریتانیا انجام شد، نقطه عطفی در پیوند راهبردی ایران با بلوک غرب بود. این در حالی بود که در عراق، ملی‌گرایی عربی و نارضایتی از سلطه انگلستان، زمینه را برای کودتای ژنرال عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ فراهم کرد که به سقوط نظام سلطنتی و تأسیس جمهوری منجر شد. تحولاتی که پس از ۱۹۵۸ در عراق رخ داد، به‌ویژه جهت‌گیری‌های چپ‌گرایانه و نزدیکی نسبی بغداد به مسکو، زنگ خطر را برای واشنگتن به صدا درآورد. ایالات متحده که تا آن زمان عراق را در حوزه نفوذ سنتی بریتانیا می‌دید، ناگزیر وارد فاز جدیدی از مداخله و بازآرایی سیاست منطقه‌ای خود شد. از آن زمان، ایران به‌عنوان متحد قابل‌اعتماد آمریکا در منطقه خلیج فارس، نقشی محوری در سیاست مهار شوروی و جلوگیری از گسترش کمونیسم ایفا کرد. در چنین شرایطی، روابط ایران و عراق نه تنها تابع عوامل دو جانبه نبود، بلکه به شدت تحت تأثیر ملاحظات امنیتی، ایدئولوژیک و راهبردی آمریکا قرار گرفت. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این بستر تاریخی و بین‌المللی، به بررسی چگونگی تأثیرگذاری سیاست خارجی ایالات متحده بر روابط میان ایران و عراق



شپږه شکاره علوم انسانۍ ومطالعات فرېښکۍ
پر تال جامع علوم انسانۍ

۳	پورشاسپ، متقی و اسدی (۱۴۰۲)	نقش ایالات متحده آمریکا در شروع، تداوم و پایان جنگ رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران	عملکرد منحصر بفرد ایالات متحده طی جنگ تحمیلی متأثر از یک راهبرد کلان منفعت‌محور با هدف غایی تأمین منافع چندگانه این کشور در منطقه خلیج فارس دنبال شده است.
۴	احمدی و ویان (۱۴۰۰)	تاثیر وابستگی عراق به شوروی بر مناسبات ایران و عراق	پس از کودتای سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) در عراق، این کشور با برقراری روابط دوستانه با بلوک شرق سعی در بدست آوردن نقشی مهم‌تر در خلیج فارس و افزایش توان نظامی خود داشت. که این امر کشمکشها و اختلافات بین دو کشور ایران و عراق را افزایش داد و باعث ایجاد رقابت تسلیحاتی و دخالت در امور داخلی و حمایت از گروههای معارض دو کشور گردید.
۵	ماسوری، فیاض و بیگدلی (۱۳۹۹)	روابط سیاسی ایران و عراق از ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۷ ش	در دوران حکومت قاسم در عراق با بروز ملی‌گرایی افراطی و همچنین تمایل به روابط گسترده با شوروی، علاوه بر تشدید مناقشات مرزی و گسترش آن از رود مرزی اروند رود به منطقه خوزستان، مسائل ایدئولوژیکی هم بر اختلافات افزوده شد. همچنین باتوجه به حضور کردها در دو سوی مرز و آغاز قیام کردها در عراق، موضوع دیگری بر روابط دو کشور سایه انداخت. با به‌قدرت رسیدن رژیم‌های میانه‌رو عارف‌ها در عراق، تا حدی از تنش موجود در روابط دو کشور کاسته شد، اما مسئله کردها و اختلافات مرزی و منطقه خوزستان همچنان در رأس اختلافات دو کشور پابرجا باقی ماند.
۶	فرخی چشمه سلطانی و عطار (۱۳۹۷)	راهبرد «موازنه از راه دور» و سیاست خارجی آمریکا (با تأکید بر غرب آسیا)	گرایش ایالات متحده به راهبرد موازنه از راه دور، نه صرفاً نتیجه شکست سیاست گذشته خاورمیانه‌ای این کشور و هزینه بالای راهبرد دخالت مستقیم، بلکه این راهبرد، نتیجه محاسبات سیاست شرق دور آمریکا نیز بوده است.
۷	هاشمی، فرجی‌راد و سرور (۱۳۹۶)	تبیین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق	ژئوپلیتیک عراق باعث شده تا همواره یا با ایران و یا علیه ایران باشد واتخاذ سیاست خنثی و بی‌طرفی از سوی عراق نسبت به ایران عملاً غیرممکن باشد.



شپږه شکاره علوم انسانۍ ومطالعات فرېښکۍ
پر تال جامع علوم انسانۍ

بود. اگرچه تعداد شیعیان عرب عراق با اختلاف سه بر یک از سنی‌های عرب و کردها بیشتر بود، مقامات عثمانی برای اداره این مناطق به نمایندگانی از جامعه سنی عراق تکیه کردند. این به نوبه خود، زمینه را برای تسلط جمعیت سنی در دولت‌های آینده عراق برای سال‌های آینده فراهم کرد (جیلان، ۲۰۱۲). تعامل آمریکا با این استان‌های تحت حکومت عثمانی قبل از سال ۱۹۰۰ میلادی مانند تعامل گسترده‌تر این کشور با خاورمیانه در این دوره، محدود و ناسازگار بود. منافع آمریکا در خاورمیانه، اگرچه تا دهه ۱۸۹۰ گسترش یافت، اما همچنان تقریباً منحصراً به دارایی‌های اقتصادی و سفرهای مذهبی محدود می‌شد (لیتل^۱، ۲۰۰۸). در طول سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۷۹ روابط آمریکا و عراق برای چندین دهه قبل از دهه ۱۹۴۰ ادامه داشت، بر این اساس در طول جنگ جهانی دوم، عراق روابط خوبی با قدرت‌های غربی داشت و در ۵ مارس ۱۹۴۵ عراق به کنفرانس‌های سازمان‌های بین‌المللی (کنفرانس سانفرانسیسکو) که توسط ایالات متحده، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و چین دعوت شد (ابید^۲، ۱۹۶۱: ۱۰۱). بدون شک این امر برای عراق بسیار مهم بود، زیرا این کشور تنها کشور غربی در کنفرانس‌ها بود.

بر اساس گزارشی که توسط وزارت امور ایالات متحده منتشر شده است، در اوایل دهه ۱۹۵۰، دولت ایالات متحده علاقه خود را به تشکیل یک پایگاه فرماندهی نظامی در خاورمیانه برای محافظت از منطقه در برابر تجاوزات کمونیستی ابراز کرد. علاوه بر این، «عراق در سال ۱۹۵۵ با ترکیه، ایران و بریتانیا، پاکستان پیمانی امضا کرد که به «پیمان بغداد» مشهور است، اما پس از سرنگونی سلطنت در سال ۱۹۵۸، عبدالکریم قاسم نخست‌وزیر عراق اعلام کرد که عراق در عضویت خود تجدید نظر خواهد کرد» (ابید، ۱۹۶۱: ۹۰). پیمان بغداد توافقی بود که بین عراق، انگلستان، ایران، پاکستان و ترکیه منعقد شده بود و هدف اصلی آن جلوگیری از نفوذ کمونیست‌ها بر خاورمیانه و حفظ امنیت و دفاع جمعی برای منطقه و کشورهای عضو آن بود (احمد، ۲۰۱۴: ۹۹). هدف پیمان بغداد این بود که تا آنجا که ممکن است کشورهای عربی به آن بپیوندند، اما با خروج حتی تنها کشور عربی (عراق) در سال ۱۹۵۹، شکست خورد (احمد، ۲۰۰۸: ۱). اگرچه ایالات متحده نمی‌توانست به این پیمان بپیوندد و ترجیح داد ناظر و حامی این پیمان از هرگونه تهدید خارجی باشد، اما نفوذ بسیار زیادی بر خاورمیانه داشت و همچنین از گسترش ایدئولوژی کمونیستی شوروی در منطقه جلوگیری کرد. سایر اعضای پیمان نیز از ایالات متحده حمایت کرده بودند. به عنوان مثال در ۲۱ ژانویه ۱۹۵۷، دولت‌های ایران، ترکیه، پاکستان و عراق حمایت

¹ Little

² Abid



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگرش آمریکا به استقلال کویت بود که قاسم را وادار به واکنشی به این شکل کرد: به دلیل حمایت آمریکا از استقلال کویت، عراق در ژوئن ۱۹۶۲ از سفیر ایالات متحده در عراق، یوهان دی جرنگان^۱، خواست تا کشور را ترک کند. (محبوب، ۱۹۹۴، ۱۰۵). تنش بین قاسم و ایالات متحده برای مدتی ادامه یافت، اگرچه در آن دوره غرب و ایالات متحده به منابع انرژی عراق نیاز داشتند، اما قاسم این کار را غیرممکن کرد. جنگ جهانی دوم خسارت زیادی به غرب وارد کرد، بنابراین؛ به خاطر نفت، به عراق نیاز داشت و این بار شرایط برای غرب که در دوره بازسازی بود، بحرانی بود. در توضیح اینکه چرا اهمیت خاورمیانه مورد توجه قرار گرفت، باید گفت که خاورمیانه نه تنها منطقه‌ای نفت خیز بود، بلکه نفت تولید شده در آن بسیار ارزانتر از هر جای دیگری بود (محبوب، ۱۹۹۴، ۱۴۵).

تا قبل از این، روابط آمریکا با عراق در دهه‌های گذشته کاملاً بر ملاحظات سیاست خارجی آمریکا استوار بوده است. همانطور که ایالات متحده سابقه طولانی در روابط با این ملت دارد، همیشه به خاورمیانه به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم به دلیل منابع نفتی آن علاقه مند بوده است. همانطور که تصمیمات ایالات متحده در دهه‌های کنونی و گذشته نشان داده است منافع اقتصادی نیازمند هژمونی سیاسی است و به همین دلیل است که در دوران پس از جنگ برای تحکیم کنترل بر کشورهای خاورمیانه با قدرت عمل کرد» (رابرت، ۲۰۰۲، ۱). به همین علت بود که ایالات متحده از حزب بعث برای به قدرت رسیدن حمایت کرده است (احمد، ۲۰۱۴: ۱۰۰). در چنین شرایطی به ناچار آمریکا عاملی ابزاری برای به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق بود و به کودتا علیه دولت عراق که ژنرال عبدالکریم قاسم در رأس آن بود کمک کرد، چراکه تمامی اقدامات قاسم علیه منافع آمریکا تلقی شد. بنابراین؛ ایالات متحده سعی کرده است کسی را پیدا کند که وی را سرنگون کند، زیرا او روابط دوستانه ای با ایالات متحده نداشت. با این هدف برنامه‌ای برای قتل وی در ۷ اکتبر ۱۹۵۹ تعیین شد، در این فعالیت، صدام ۲۲ ساله بود که در آن زمان شرکت داشته است. اما این فعالیت موفقیت‌آمیز نبود زیرا قاسم تنها مجروح شد و از ترور سازماندهی شده توسط سیا نجات یافت (سال، ۲، ۲۰۰۳). اما زندگی قاسم همیشه در خطر بود به همین دلیل در فوریه ۱۹۶۳ وی در کودتای حزب بعث کشته شد، زیرا سیا پشت کودتا برای پایان دادن به دوران قاسم بود. حکومت قاسم با مرگ او به پایان رسیده بود و «پیرو منتخب او، دست راستش عبدالسلام عارف در سال ۱۹۵۸ بود، علیرغم اینکه وی در سال ۱۹۵۹ به دلایل عقیدتی خود به اعدام

¹ Johan D. Jernegan

² Sale



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آمریکا به تدریج سیاست‌های خود را تغییر داد و در پوشش روابط دوستانه با دولت ایران، به دخالت مستقیم در تمامی امور داخلی ایران روی آورد (علیزاده، ۱۳۸۸: ۹۴). در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، روابط ایران و آمریکا توسعه بیشتری یافت و در نهایت گسترش روابط با آمریکا به اولویت سیاست خارجی ایران تبدیل شد، این پیشرفت در روابط دو سویه، نتیجه تمایل مشترک هر دو طرف بود. برای ایران، ایالات متحده به مثابه نیروی سوم بود که می‌توانست برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس به آن تکیه کند و مضافاً اینکه، تهران از این طریق می‌توانست، برای تقویت و گسترش توانایی‌های نظامی این کشور و نیز مبارزه با مشکلات و خیم اقتصادی خود کمک نظامی و اقتصادی را از واشنگتن دریافت کند، اما در مقابل، آمریکا به دو دلیل، یعنی مساله نفت و همچنین موقعیت استراتژیک ایران، خواهان گسترش روابط خود با این کشور بود، مغفول نماند، از آنجاییکه ایران دارای مرز مشترک با اتحاد جماهیر شوروی بود، از این طریق می‌توانست بر امور داخلی این کشور، نظارت داشته باشد. سابقه تاریخی حضور مستشار در ایران، به زمانی باز می‌گردد که تماس با غرب اجتناب‌ناپذیر شد. نظام ایران در نسبت با اکتشافات نو و دانش‌های نوین، گسترش شهرنشینی و رشد سرمایه‌داری، دچار عقب‌ماندگی فراوان بود. در نتیجه، حاکمان ایران که به فاصله بسیار کشور با تمدن جدید غرب پی‌برده و ضرورت تاریخی انجام اصلاحات در عرصه‌های گوناگون را درک کرده بودند، برای رفع عقب‌ماندگی‌ها، اقدام به استخدام کارشناسان از کشورهای پیشرفته نمودند (ابتهاج، ۱۳۹۰: ۷۷).

در اواخر دهه سی ایران با بحران‌های سیاسی و اقتصادی متعددی مواجه بود. عدم توفیق دولت در اجرای طرح‌های اقتصادی‌اش، افزایش هزینه‌های نظامی، افزایش تورم، افزایش واردات، تجدید حیات جریان‌های مخالف رژیم و تداوم سیاست سرکوب و اختناق، همه از علل و نتایج این بحران‌ها بودند (بدافی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). بنابراین در سال‌های اول دهه ۴۰ ش. رژیم برای خاموش کردن صدای مخالفان و جلب نظر موافقان و تبدیل ایران به یک کشور پیشرفته صنعتی مبتنی بر نظام سرمایه‌داری، بهبود وجهه رهبران و ارائه چهره‌ای اصلاح‌طلب و ترقی‌خواه از شاه، تصمیم به اعمال اصلاحاتی در حوزه‌های اقتصادی- اجتماعی گرفت و برای این منظور از هدایت و راهنمایی آمریکا بهره برد. این اصلاحات، زمینه‌ساز ورود همه آن چیزهایی بود که به نام ساختار صنعتی شناخته می‌شد: سرمایه، تجهیزات، کارخانجات و فن‌آوری که با نظر و دیدگاه‌های صادرکنندگان غربی‌شان و بدون توجه به شرایط و نیازهای داخلی ایران وارد می‌شد. خلاصه اینکه تبدیل ایران به یک «نظام سرمایه‌داری هدایت شده»، هدف آمریکاییان از همراهی شاه برای انجام اصلاحات اقتصادی اجتماعی در اوایل دهه ۴۰ ش. بود.





پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اصلاحات آمریکایی و مردم ایران در تضاد با یکدیگر قرار دارند (ریکس و بهروزلک، ۱۹۹۲). همسایگی با شوروی سابق در دوران جنگ سرد و تنها مانع دستیابی روس‌ها به آب‌های گرم خلیج فارس بر اهمیت استراتژیک ایران افزوده است. دارا بودن ساحل طولانی و قابل استفاده در دریای عمان و خلیج فارس و وجود جزایر راهبردی در آن، موقعیت دروازه ورود به اقیانوس هند را به ایران داده است. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا حاکم بلامنازع منطقه خاورمیانه بود و فعال‌ترین دولت خارجی در صحنه سیاسی ایران را به خود اختصاص داده بود و ایران به عنوان مهم‌ترین و قوی‌ترین متحد استراتژیک آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می‌گردید. رژیم شاه نیز با هدف مقابله با بحران‌های داخلی و آسیب‌پذیری‌های خارجی، وجود حامی قدرتمندی چون آمریکا را ضروری می‌دانست (علیزاده، ۱۳۸۸: ۹۸).

۴) رابطه عراق و ایران میان سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۳۶ (۱۹۵۸-۱۹۶۳)

عبدالکریم قاسم در اولین بیانیه پس از به حکومت رسیدن، خود را بسیار علاقه‌مند به ایجاد روابط دوستانه با دو کشور ترکیه و ایران نشان داد. این امر با استقبال ایران روبه‌رو شد و دولت ایران در ۹ مرداد ۱۳۳۷ ش/ ۱۹۵۸م دولت جدید عراق را به رسمیت شناخت. با این حال چند روزی از این شناسایی نگذشته بود که دولت عراق مدعی شد که خلیج فارس یک آب‌راه عربی بوده و آنرا خلیج [عربی] نامید (دهنوی، ۱۳۸۳: ۴۴-۵). با اینکه ایران سریعاً حکومت جدید را به رسمیت شناخته بود اما شاه از افزایش رژیم‌های انقلابی در خاورمیانه عربی (از جمله مصر و عراق) نگران بود. زیرا این امر، از یک طرف همراه با نفوذ شوروی در خاورمیانه تلقی می‌شد و از طرف دیگر نوعی دشمنی با حکومت‌های سلطنتی محسوب می‌گردید (ازغندی، ۱۳۷۶: ۳۹۹) حتی به گفته عیسی پژمان کارمند ساواک در عراق، طبق خواسته و نیت شاه، ساواک برای بازگرداندن رژیم سلطنتی در عراق شروع به اقدام کرده بود (قانع‌فرد، ۱۳۹۰: ۷۲).

کودتای عبدالکریم قاسم و رویکرد وی، موجب تحول و چرخش اساسی در سیاست خارجی این کشور شد، اگرچه بیانیه تیرماه ۱۳۳۷ (جولای ۱۹۵۸) دولت کودتا، اعلان نوعی همسویی و نزدیکی دولت جدید با همسایگان و کشورهای مسلمان و از جمله ایران بود، اما از آنجایی که وی ضد غربی و متمایل به چپ بود، روابط دوستانه و نزدیک با کشورهای بلوک چپ را در پیش گرفت و در مقابل نیز با خروج از پیمان بغداد در روز ۴ فروردین سال ۱۳۲۸ (۲۴ مارس ۱۹۵۹)، عملاً رویکردی ضد غربی دولت جدید را نشان داد (مصطفی مردان، ۱۹۸۹: ۴۰-۴). اگرچه کودتای عبدالکریم قاسم و به عبارتی انقلاب ۲۳



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سوی تهران با این توجیهات بغداد، فرجامی در پی نداشت. در جلسه شورای وزیران پیمان بغداد در لندن، در همان ماه که کودتای عراق رخ داد، دولت ایران انعقاد یک قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا را درخواست کرد. محمدرضا شاه با طرح حمله احتمالی عراق یا شوروی به ایران و یا به تعبیر وی کمونیسم بین‌المللی در نظر داشت آمریکا را به ارائه کمک‌های بیشتر نظامی به ایران ترغیب کند. به اعتقاد برخی نیز در نتیجه کودتای عراق، دولت ایران درصدد مذاکره با شوروی برای انعقاد یک پیمان عدم تجاوز در سال‌های ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹ش برآمد تا از گسترش فشار گازانبوری شوروی از شمال و عراق از جنوب رهایی یابد (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۹-۲۴۸). بروز کودتای نظامی و تأسیس رژیم جمهوری به جای رژیم شاهنشاهی در عراق علاوه بر پیامدهای آن در جامعه و سیاست داخلی عراق، در ارتباط با همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نیز، تأثیر گذاشت؛ به گونه‌ای که با رژیم‌های دوست با رژیم سابق عراق فاصله گرفتند و حتی به سمت دشمنی و اختلاف و کشمکش گام برداشتند و با دولت‌های تندرو منطقه و شوروی و بلوک شرق از در دوستی و همگرایی درآمدند (امینی، ۱۳۸۶: ۱۷۱).

دولت ایران از همان آغاز حکومت قاسم در عراق، چند نوبت، نامه‌هایی را به دولت بغداد، مبنی بر حل و فصل اختلاف‌های مرزی ارسال کرد. اما دولت عراق گام مثبتی برنداشت (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۲۶۱). هنوز یک سالی از به حکومت رسیدن قاسم نگذشته بود که اولین نشانه‌های اختلاف میان دو کشور هویدا شد. با فشار کمونیست‌ها در کابینه قاسم، برای تجدیدنظر در سیاست خارجی، در فروردین ۱۳۳۸ش قاسم عقب‌نشینی عراق از پیمان بغداد را اعلام کرد. از آن سو روابط با اتحاد شوروی به سرعت پیش می‌رفت. در شانزدهم مارس ۱۹۵۹م عراق یک توافق اقتصادی مهم را با مسکو امضا کرد. براساس آن، مسکو به عراق وام ۵۵ میلیون روبلی اعطا می‌کرد و متخصصین روسی به‌طور فزاینده‌ای جانشین آمریکایی‌ها و انگلیسی‌هایی شدند که از کشور در حال خارج شدن بودند (مار، ۱۳۸۰: ۲۴۵).

با اینکه روزبه‌روز روابط به سردی می‌گرایید، عبدالکریم قاسم در مصاحبه با روزنامه دیلی تلگراف چاپ لندن، در خصوص روابط ایران و عراق اظهار کرد که عضویت ایران در سازمان پیمان مرکزی، مانع روابط دوستانه و حسن همجواری بین دو کشور نمی‌شود (روزنامه اطلاعات، ۴ آذر ۱۳۸۸: ۳) اما چند روز بعد محمدرضا شاه اعلام کرد: ما سیاست استعماری عراق را در مورد شط العرب به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم بپذیریم ولی امیدواریم این دولت، دوستی ما را مغتنم شمارد (همان، ۷ آذر ۱۳۳۸: ۱ و ۱۹). چند روز بعد عبدالکریم قاسم در جوابیه شدیدالحنی گفت که قرارداد ۱۹۳۷م به عراق تحمیل شده است و دولت عراق حدود ۵ کیلومتر از شط العرب را به عنوان بخشش به همسایه خود داده است و اگر مشکلات حل



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۳۴۲ش/۱۹۶۳م مسئله خوزستان را در شورای جامعه عرب مطرح کرد، اما موفقیتی در این باره حاصل نکرد. در این زمان کشورهای عربی به دو گروه موافق و مخالف شاه تقسیم شده بودند (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۲۹۰). همچنین در سال ۱۹۶۱م شورای وزیران عراق در بیانیه‌ای، عنوان خلیج فارس را به صورت عنوان خلیج [عرب] تعیین کرد و این اولین کشوری بود که رسماً چنین کرد (مار، ۱۳۸۰: ۲۷۶).

از آن طرف دولت ایران در مخالفت با حکومت قاسم در عراق، مسیر رود زاب بزرگ یا سیروان در قصر شیرین را برگرداند. این رود که پس از گذشتن از قسمتی از منطقه به خاک عراق وارد می‌شد، پس از مشروب کردن نخلستان‌های قسمتی از مناطق خانقین از راه دیاله و یعقوبه به دجله می‌ریخت. این کار باعث خشک شدن نخلستان‌های آن منطقه شد (قانع‌ی فرد، ۱۳۹۰: ۵۳). در دوران قاسم با بروز ملی‌گرایی افراطی و اینکه عراق خود را نماینده اعراب منطقه می‌دانست و تمایل عراق به شوروی، علاوه بر تشدید مناقشات مرزی و گسترش آن از رود مرزی اروندرود به منطقه خوزستان، مسائل ایدئولوژیکی هم بر اختلافات افزوده شد. همچنین با توجه به حضور کردها در دو سوی مرز و آغاز قیام کردها در عراق، مساله‌ای دیگر به موارد مربوط به ارتباط بین دو کشور اضافه گردید (ماسوری و همکاران، ۱۳۹: ۳۰۳۱).

۵) سیاست‌های خارجی آمریکا و جایگاه ایران و عراق

در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۰ سلسله تحولاتی در اقتصاد جهانی به وجود آمد که با دوره افول برتری آمریکا همزمان بود. مشکلات آمریکا در زمینه تراز تجاری و تراز پرداخت‌ها را می‌توان تا حد زیادی ناشی از فعل و انفعال سیاست داخلی و خارجی آمریکا در اواسط دهه ۱۹۶۰ دانست (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۷۶: ۱۰۹). کسری مزمن تراز پرداخت‌های آمریکا که بی‌تأثیر بر وضعیت اقتصادی سایر کشورهای صنعتی نبود، یکی از دلایلی بود که نظام ارزی برتنوودز را دچار مخاطره کرد. در نظام برتنوودز، آمریکا و دلار آن نقش مهمی داشت، اما این نقش در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۱ که سال‌های آغاز و پایان این نظام بود تغییر یافت (تقوی، ۱۳۷۹: ۱۲۴).

واشنگتن بعد از جنگ جهانی دوم، همواره دو سیاست مستقل و درعین حال درهم‌آمیخته‌ی استثنانگرایی و مهار را در سیاست خارجی خود به کار گرفته است. استثنایی‌گرایی آن‌ها ریشه در غرور این کشور به عنوان قدرتمندترین بازیگر نظامی و اقتصادی دارد (سراج و بکر، ۲۰۲۲: ۱۰۵؛ به نقل از ذوالفقاری و احمدی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۷). در دهه ۱۳۲۰ (۱۹۵۰)، تفکر اتحاد و امنیت منطقه‌ای بر سیاست ایالات متحده، سایه انداخته بود، این سیاست دارای اشکال مختلفی از جمله، اعلامیه سه جانبه اردیبهشت ۱۳۲۹ (می ۱۹۵۰)، طرح رهبری خاورمیانه، تامین امنیت خاورمیانه در چارچوب نظریه محاصره همه‌سویه و سپس



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این‌ها، تحقیقات لازم نشده بود. در همین رابطه، هان در مورد روابط آمریکا و عراق بر این بارو بود که سیاست دولت کندی در قبال عراق قبل از کودتای ۱۳۴۲ (۱۹۶۳) مبهم و گیج‌کننده و تنها معطوف به حفظ روابط دوستانه با این کشور بود و به قولی، سیاست ایالات متحده در پایین‌ترین سطح خود قرار داشت. از دیگر سو نیز شاه به امید عبور از بحران اقتصادی به کمک نیکسون، ناگزیر به ابطال انتخابات فرمایشی تابستان ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) شد و همچنین به نخست‌وزیر و نمایندگان، سفارش کرد که استعفاء نمایند و در مقابل، شریف جعفر امامی که وجه مقبول‌تری را داشت به نخست‌وزیری برگزید به این امید که نیکسون، به ریاست جمهوری برگزیده شود. اما علی‌رغم انتظارات شاه، جان اف کندی به ریاست جمهوری رسید و شاه را ناامید ساخت و بعدها نیز وی را ناچار به اقدامات هزینه‌برداری از جمله انقلاب سفید کرد. با این توصیف، علیرغم اقدامات شاه در راستای یکدست‌سازی قدرت و نزدیکی به آمریکا در راستای حل مشکلات، اما رکود اقتصادی، گسترده‌ی فساد و فعال شدن مجدد دانشجویان در کنار تداوم فعالیت‌های حزب توده و نیز برآمدن دولت عبدالکریم قاسم و طرح ادعاهای ارضی، نظام پادشاهی را با چالش‌ها و مشکلات اقتصادی و امنیتی جدیدی مواجه ساخت که ناچار به اصلاحاتی شد (ازغندی، ۱۳۸۴).

فارغ از خطرات داخلی، پیدایش و گسترش گفتمان پان عربیسم و نیز برآمدن دولت عبدالکریم قاسم بعد از کودتای تیرماه سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) و طرح ادعاهای ارضی، به نگرانی‌های اصلی شاه و نهادهای امنیتی نظام پادشاهی تبدیل شد که احتمال خطرات جدی را برای تمامیت ارضی ایران و ایجاد تنش در داخل مرزها را خاصه از سوی گفتمان پان عربیسم ایجاد کرده بود. گفتمان پان عربیسم که در دوران جنگ سرد به صورت قابل‌اعتنایی رشد و گسترش یافته بود، دراصل نیروی «قلمروزدایی بود که نوید یکپارجگی سرزمین‌هایی با مردم عرب زبان، از اقیانوس اطلس تا به خلیج فارس را می‌داد» (رئیس‌نژاد، ۱۴۰۳: ۳۶)، این گفتمان افراطی با تکیه بر عربیت، اگرچه در آغاز توسط کسانی نسبتاً ناشناخته از جمله، جرجی زیدان و جنبش النهضه مطرح شد، اما این جمال عبدالناصر، رهبر پر جذبه و شناخته شده مصر بود که بعد از اینکه در کودتای روز اول مرداد ۱۳۳۱ (۳۲ ژوئیه ۱۹۵۲) به قدرت رسید، از طریق اقداماتی ملی‌گرایانه و ضد بیگانه از جمله، ملی کردن کانال سوئز، سردادن شعارهای ملی‌گرایانه، دعوت به وحدت عربی و سرانجام تشکیل پیمان جمهوری متحده عربی با مشارکت مصر، سوریه و یمن در مقابل پیمان بغداد در سیزده اسفندماه ۱۳۳۲ (۲۲ فوریه ۱۹۵۸)، در میان کشورهای عربی و افسران نظامی این کشورها، خاصه عراق، طرفداران پرشوری را پیدا کرد و همین رویدادها، موجبات نگرانی شاه را



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واشنگتن کمک دریافت نکند، ممکن است، به‌منظور کمک نظامی به اتحاد جماهیر شوروی مراجعه کند، بنابراین بهتر است از خواسته‌های شاه حمایت کرد. به این ترتیب، در آبان‌ماه ۱۳۴۱ (۱۹۶۲) روابط ایران و شوروی وارد مرحله جدیدی شد، چنانکه شاه پس از یک نقطه عطف در سیاست‌های هر دو کشور، به شوروی اعلان کرد، که تنها اجازه نمی‌دهد پایگاه موشکی در ایران ایجاد نمایید، بلکه اجازه حمله از طرف خاک ایران به مسکو داده نخواهد شد. و در مقابل نیز، شوروی اعلام کرد که هیچ اقدام خصمانه‌ای علیه ایران انجام نخواهد شد. بعد از این اتفاقات، در آذر ۱۳۴۲ (۱۹۶۳) شاه به خواسته‌های آمریکا عمل کرد و انقلاب سفید را برای بهبود اقتصاد ایران اعلام کرد و در همین رابطه، در (۳۱) فروردین‌ماه ۱۳۴۲ (۱۹۶۳) دین راسک، دو گزارش به کندی ارائه کرد که در این دو گزارش، رویکرد آمریکا را در دو اصل زیر خلاصه شده بود: اول، ایالات متحده باید تشویق شاه را در جهت تداوم انقلاب سفیدش، حمایت کند تا بتواند از این طریق، حمایت طبقات پایین را کسب کند. دوم، کارشناسان آمریکایی باید به منظور تقویت توانایی تهران در مقابله با هرگونه تجاوز با ایران همکاری کنند، و در این مورد بهتر است تجهیز پلیس و نیروهای امنیتی شهری و روستایی، در اولویت قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

تحولات روابط میان ایران و عراق در دوره ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ را نمی‌توان بدون توجه به مداخلات و راهبردهای سیاست خارجی ایالات متحده به‌درستی تحلیل کرد، در این دوره حساس، با سقوط سلطنت در عراق و ظهور جمهوری به رهبری عبدالکریم قاسم، منطقه خاورمیانه شاهد نوعی جابه‌جایی توازن قوا بود. سیاست آمریکا که پیش از این عمدتاً متکی بر حفظ وضع موجود از طریق حمایت از متحدان سنتی چون ایران و پادشاهی عراق بود، ناگهان با چالشی بنیادین مواجه شد. واشنگتن از یک سو درصدد جلوگیری از نفوذ شوروی در عراق برآمد و از سوی دیگر، برای حفظ ثبات منطقه‌ای به ایران به‌عنوان پایه اصلی توازن جدید متوسل شد. تحلیل شواهد و داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که ایالات متحده در این دوره، با تقویت هرچه بیشتر مناسبات امنیتی و اقتصادی با ایران، کوشید جای خالی عراق را به‌عنوان متحد سابق در چارچوب سیاست مهار شوروی پر کند. این وضعیت موجب شکل‌گیری نوعی محور منطقه‌ای واشنگتن-تهران شد که پیامدهای آن در روابط دو جانبه ایران و عراق نمود یافت. بدگمانی متقابل، رقابت ژئوپلیتیکی و برخورد منافع در حوزه‌هایی چون ارونرد رود، وضعیت گردها و نفوذ ایدئولوژیک ناسیونالیسم عربی، همگی بر بستری از سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای آمریکا تشدید شدند. ایران در این مقطع زمانی با اتکا به حمایت نظامی و مالی ایالات متحده، نه‌تنها به تقویت بنیه دفاعی خود



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



احمدی، فرج الله؛ علی صالح، ویان. (۱۴۰۰). وابستگی عراق به شوروی و تاثیر آن بر مناسبات ایران و عراق ۱۳۳۷-۱۳۵۷ تا ۱۹۵۸ (۱۹۷۹). پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۱(۱)، ۲۲-۱.

هاشمی، سید مصطفی؛ فرجی راد، عبدالرضا؛ سرور، رحیم. (۱۳۹۶). تبیین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۵(۲)، ۱۱۸-۱۴۳.

رئیس‌نژاد، آرشد (۱۴۰۳) شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه، ترجمه پریسا فرهادی، تهران، نی.

جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۶۷). بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وزارت خارجه ایران. (۱۳۴۸) حقایق چند درباره اختلاف ایران و عراق راجع به ارون رود، تهران، وزارت امور خارجه.

قانع‌فرد، عرفان. (۱۳۹۰). تندباد حوادث گفتگو با عیسی پژمان، تهران: انتشارات علم

گود، جیمز اف. (۱۳۸۹). ایالات متحده و ایران، ترجمه مهدی حقیقت خواه، چاپ دوم. تهران: انتشارات ققنوس.

مار، فب. (۱۳۸۰). تاریخ نوین عراق، ترجمه محمد عباسپور، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

Abid, A, Al-Marayati. (1961) "A Diplomatic History of Modern Iraq," New York: Robert Speller & Sons.

Ahmad, Mustafa. (2008) "Will the Baghdad Pact be resurrected," Retrieved on December 7th from <http://www.gulfnews.com/Opinion/columns/region/10265577.html>.

Ahmad, P. R. (2014). The US-Iraqi Relations 1945-2003. International Journal of Business, Humanities and Technology. 4 (4).

Ceylan, E. (2011). The Ottoman Origins of Modern Iraq: Political Reform, Modernization and Development in the Nineteenth-Century Middle East. London: IB Tauris.

Foroughi, Mahmoud. (1997). "On Iran's policy Towards the United States," Published in Symposium on Iran - Washington D.C. October 1977 The Institute for International, Political and Economic Studies – Teheran and Stanford Research Center, issued from. <http://users.sedona.net/~sepa/foroughi.html>.

Franklin, J. A. (2019). United States Foreign Policies on Iran and Iraq, and the Negative Impact on the Kurdish Nationalist Movement: From the Nixon Era through the Reagan Years, Browse all Theses and Dissertations. 2159.

Garrett, Johnson. (2006) "Culture: History of Iraq: 1963-1970," retrieved on Sunday October 2006 from <http://www.bitsofnews.com/content/view/4208/42/>.

Hahn, P. (2012). Missions Accomplished? The United States and Iraq Since World War I. Oxford: Oxford University Press.

Haim, Shemesh. (1992) "Soviet-Iraqi Relations, 1968-1988, in the Shadow of the Iraq-Iran Conflict," the United States: Lynne Rienner.

Javan Shahraki, M. (2012). Extreme Securitization: U.S. Foreign Policy and the Iran-Iraq War (1980-1988). Iranian Review of Foreign Affairs, 3(12).

Khalaf, A.Z. (2024), American attitude towards Iran and its reflection on Iran policy towards the Arab region, Review of Economics and Political Science, 9 (4), 318-331.

Little, D. (2008). American Orientalism: The United States and the Middle East Since 1945. Chapel Hill: University of North Carolina Press.

Mahboob, Alam. (1994) "Iraqi Foreign Policy since Revolution," New Delhi, K.M, Rai Mittal: Mittal.



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی